

سیر تاریخی

نگارش مکاتیب عرفانی

محمد بدیعی



کرام، ملا حسین قلی همدانی، سید علی آقا قاضی، آقا محمد بیدآبادی، شیخ محمد بهاری، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، علامه طباطبائی، امام خمینی و دیگر برجستگان علم و عمل اشاره کرد که جان تشنگان معنویت و طالبان طریق فلاح و رستگاری را از زلال کوثر قرآنی و عرفانی سیراب می سازد.

مکاتیب- عبدالله قطب بن محبی، از عرفای قرن نهم هجری، انتشارات قائم آل محمد (ص)، قم، ۷۷۶ ص، وزیری.

مکاتیب قطب از دیدگاه بزرگان

مکاتیب مجموعه ای از نامه های اخلاقی- تربیتی عالم ربانی شیخ عبدالله قطب بن محبی می باشد. محمد معصوم شیرازی نویسنده طرائق الحقایق درباره او چنین می نویسد: «العارف الودود، قطب بن محبی بن محمود، جامع علم ظاهر و باطن بوده، آنچه از مکاتیب او دیده شده که به هر کس مرقوم داشته و جواب نوشته، [از] ده هزار بیت^۱ متجاوز بوده که کسی [آنها را] جمع نموده است»^۲.

محدث بزرگ میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک نوشته است: «قطب الدین مشهور به قطب محبی، استاد مولانا جلال دوانی، یکی از مشایخ صوفیه و صاحب مکاتبات معروف به مکاتیب قطب محبی به فارسی می باشد، نام او قطب الدین محمد کوشکناری است»^۳.

مرحوم شیخ عباس قمی در دو کتاب خود هدیه الاحباب^۴ و

نگارش مکاتیب و نامه های اخلاقی و عرفانی و نیز پاسخ به پرسش های اهل سلوک، از سوی علمای اعلام و فقهای عظام و مشایخ طریقت و مربیان روحانی از دیر زمان رایج و برقرار بوده است و پیشینه آن به زمان پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت (ص) باز می گردد. آن بزرگواران در نامه هایی که مرقوم می فرمودند ضمن پاسخگویی به سؤالات مختلف، آنان را به تقوا، ورع و سلوک الی الله دعوت و تشویق کرده، دستور العمل های ایمانی و اخلاقی و تربیتی صادر می نمودند. در این میان، نامه های امام العارفین، امیر المؤمنین (ع) نمایان تر است. بخشی از آن نامه ها در کتاب شریف ذیحج البلاغه آمده است.

به پیروی از اهل بیت (ع) در بین علمای بزرگ اسلام نیز این سنت حسنه برقرار بوده است، از آن جمله می توان به نامه های اخلاقی و عرفانی اسوه های ایمان و تقوا، ابن طاوس، علامه حلی، شهید ثانی، خواجه نصیر طوسی، عین القضات همدانی و نیز در عصر حاضر به نامه های پر محتوا و انسان ساز آیات عظام و فقهای

۱. بیت: سطر.

۲. طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۱۵۰ و ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۴۴۸ (طسنگی رحلی).

۴. ر. ک: هدیه الاحباب، ص ۲۳۹ (امیرکبیر، ۱۳۶۲).

الکنتی واللقاب^۵ و نیز میرزا عبدالله افندی اصفهانی در ریاض العلماء^۶ شبیه گفتار محدث نوری را ذکر کرده اند.

همچنین مرحوم مدرس تبریزی، صاحب کتاب ریحانة الأدب درباره او این گونه آورده است: «قطب الدین، شیخ عبدالله، معروف به قطب بن محیی بن محمود انصاری خزرچی سعدی، مقیم شیراز که به جهت انتساب به پدرش به قطب محیی معروف و صاحب مکاتیب معروفه [می باشد] و به نوشته ذریعه، موافق آنچه از کلمات خودش برمی آید سجاده نشین ارشاد بوده و در اواخر قرن نهم می زیسته و اوایل قرن دهم را نیز دیده است ... سال وفات شیخ عبدالله قطب به دست نیامد و فاضل محدث معاصر گوید که قطب الدین کوشکناری محمد، معروف به قطب المحیی، عالم، حکیم، متکلم و صاحب مکاتیب فارسی، مشهور به مکاتیب قطب محیی است و استاد ملا جلال دوانی [می باشد] و وفاتش در اوایل قرن دهم هجرت بوده است»^۷.

پژوهشگر سخت کوش، علامه محمد قزوینی که اولین بار درباره این مکاتیب تحقیقاتی انجام داده، در کتاب یادداشت های قزوینی تحت عنوان «رسائل قطب بن محیی» می نویسد: «با فحص زیاد در کتب، عجالتاً چیزی از شرح حال صاحب این مکاتیب و عصر او و مواظب او در هیچ جا به نظر نرسید». سپس می نویسد: «موضوع جمیع این رسائل عرفان است، ولی با تفهیم تام به متابعت شریعت اسلام». بعد از آن درباره قطب می نویسد: «مکرر تصریح می کند که وی داعیه شیخی یا قطبی و نحو ذلک ندارد. مؤلف بسیار فاضل و با اطلاع از علوم اسلامی و فلسفه و کلام بوده و علاوه بر اینها بسیار اهل ذوق و مجذوب و مفتون کتب ارباب حال بوده است، اما از حیث انشاء نیز این کتاب در نهایت سلاست و متانت و به غایت استادانه و فاضلانه و بلیغ و وافی به مراد، بدون اطناب ممل یا ایجاز مخل و به کلی عاری از تکلف و تصنع است و اصلاً گویا مطلقاً مؤلف به جنبه تزیین عبارات نپرداخته است و فقط وجهه او جنبه معنا و تفهیم مطلب و وفای به مراد بوده است، ولی در عین حال عبارات او بسیار متین و جزل و به غایت فاضلانه است، از جنس انشای خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری تقریباً. خلاصه الکلام، این کتاب، کتاب بسیار نفیسی است، هم مطلباً و موضوعاً و هم انشائاً و تحریراً و بسیار جدی و مطابق ذوق سلیم و بدون تمایل به افراط و تفریط است»^۸.

توجه عالمان بزرگ به مکاتیب قطب

نامه های اخلاقی و عرفانی این عالم بزرگ، همواره مد نظر بسیاری از علمای ربانی قرار داشته و دارد و به گونه های

مختلف، مطالعه آن به علاقه مندان توصیه شده است. حتی برخی از آنان در آثار خود از آن نامه ها نقل کرده و نیز بعضی اقدام به تخلص و نشر نامه ها نموده اند که از آن جمله می توان به دو کتاب اشاره کرد:

اول، کتاب منتخب مکاتیب قطب الدین محیی است که ملاً محسن فیض کاشانی آن را به انجام رسانده و در شمار آثار مرحوم فیض آمده است.^۹

دوم کتاب احسن الترتیب فی نظم درر المکاتیب است که به دست عالم ربانی و مجتهد بزرگ، آیت الله ملا حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق) به ترتیب موضوعی تبویب یافته و به چاپ رسیده است. ایشان در مقدمه کتاب مذکور درباره انگیزه خود چنین می نویسد:

«این مجموعه شریفه مرتبی است از درر منثوره برخی از معارف الهیه و مواعظ سبحانیه و مقاصد اخلاقیه که مشتمل است بر مکاتیبی که فرستاده است به سوی اخوان خود، قطب الدین بن محیی الدین بن محمود الانصاری الخزرچی السعدی الخرقانی الکوشکناری که از اقطاب عرفای اهل سنت و اجله فضلالی اهل جماعت بوده و از رساله او که مسماة است به ابواب الخیر که تألیف نموده است آن را در سه هشتصد و نود و نه از هجرت نبویه، مستفاد می شود که او از مشایخ اجازه بوده است. و بالجمله مراتب فضل و کمال او از مکاتیب او معلوم می شود، چه مشتمل است بر حقایق و اسراری چند که بسیاری از کتب اهل عرفان از آنها خالی است. و بسیاری از مکاتیب کسانی که مدعی مقام قطبیت بوده اند مطالعه شده است، اما مکتوبی که مانند یکی از این مکاتیب باشد در و جازت و حسن عبارت و ادای مطالب عالیه، بی تکلف و تصنع به احسن وجهی و اتقن طوری دیده نشده

۵. ر. ک: الکنتی واللقاب، ج ۳، ص ۷۴.

۶. ر. ک: ریاض العلماء، به نقل از الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۳۸.

۷. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۰۹-۳۰۸ و ر. ک: ج ۴، ص ۴۳۷.

۸. یادداشت های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، ج ۶، ص ۱۵۸ (چاپ سوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳)؛ و نیز ر. ک: مجله یغما، سال ۱۳، شماره ۵، مرداد ۱۳۲۹، ص ۲۲۵-۲۳۵.

۹. ر. ک: سراج السالکین، ص ۵۷ (مقدمه جویا جهانبخش) و نیز فهرست های خودنوشت فیض کاشانی، محسن ناجی نصرآبادی، ص ۱۰۵ و ۱۱۴ و ۲۶۸؛ الذریعه، ج ۲۲، ص ۴۳۸.

نامه‌های خود فرموده پیامبر اکرم (ص) را درباره امیرالمؤمنین (ع) آورده است که فرمود: «علی علیه السلام مَسوس فی ذات الله». همچنین در مکتوب موسوم به «ابواب الخیر» ده باب در مورد اعمال و آداب یادآور شده است.^{۱۹}

شیخ آقا بزرگ تهرانی به دنبال مطالب مذکور، قسمت‌های کوتاهی از نامه‌های قطب را در حدود دو صفحه آورده و سپس مطالبی درباره قطب و مکاتیب او از چند کتاب دیگر نقل می‌کند و آن‌گاه به معرفی نسخ خطی مکاتیب اشاره می‌کند.^{۲۰}

نگاهی گذرا به مکاتیب قطب

مکاتیب شیخ عبدالله قطب، که شامل مجموعه بزرگی از نامه‌های^{۲۱} اوست، میراث ماندگار و گنجینه‌ای کم نظیر در اخلاق، عرفان و ادب فارسی به شمار است. آنچه در نگارش مکاتیب جناب قطب محیی بیش از همه جلوه‌نمایی دارد، پختگی نثر و فخامت آن است که انصافاً در کمتر نمونه‌ای از آثار عالمان به چشم می‌خورد. شیوایی و ملاحظت خاصی که با این فخامت همراه شده، خواننده را در پی می‌کشد و جلوه‌های جذب و شوق را به نمایش می‌گذارد. استفاده بجا و فراوان از چاشنی‌های کلام همچون اشعار ناب از بزرگان ادب ایران و نیز بهره‌وری از کلام تابناک پیشوایان عترت، این اثر را خواندنی‌تر و فخیم‌تر ساخته است. استفاده از صنایع گوناگون لفظی و معنوی همچون سجع و جناس و مراعات نظیر نیز به فراوانی در این نامه‌های گوه‌رین به چشم می‌آید. مجموعه این عوامل و موارد دیگر که ذکرشان به درازا می‌انجامد این نامه‌ها را بس نافذ و اثرگذار نموده، به گونه‌ای که کم خواننده‌ای می‌تواند از سیطره و نفوذ این کلام برکنار بماند.

«المَرَّةُ مَجْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ» و اگر چه او از اهل سنت بوده، و لکن به مقتضای «انظروا الی ما قیل و لا تنظروا الی مَنْ قال» کلمات او که در مواظب و اخلاق است، پسندیده اهل حال و ارباب ادواق است و جمعی از عرفای علمای فرقه ناجیه اثنی عشریه (ره) در بسیاری از مطالب خود به کلمات او استشهد کرده‌اند.^{۱۰}

قاضی نورالله شوشتی مطالبی از نامه‌های عبدالله قطب را در مجالس المؤمنین ذکر نموده است، از جمله یکی از مکاتیب مبسوط او را به طور کامل نقل کرده است.^{۱۱} همچنین عالم ربانی ملا احمد نراقی در کتاب ارزشمند خزائن برخی از نامه‌های قطب را نقل کرده است، از جمله تحت عنوان مکاتیب ملا قطب یکی از مکتوبات مبسوط او را آورده است.^{۱۲} و نیز عالم صمدانی مولا عبدالصمد همدانی در کتاب بحر المعارف از مکاتیب قطب نقل نموده است.^{۱۳}

محدث بزرگ علامه مجلسی نیز به برخی از مطالب قطب استشهد نموده است، از جمله در تقریر مسأله امامت در کتاب «حق الیقین» می‌نویسد: «قطب محیی الدین شیرازی که از علمای مشهور شافعیه و اهل حال صوفیه است، گفته است در مکاتیب خود که راه بی‌راهنما نمی‌توان رفت».^{۱۴}

مرحوم آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور، استاد بزرگ اخلاق و عرفان، در کتاب پاسداران حریم عشق - که در ده جلد و درباره شرح حال مختصر و سخنان برجسته عرفا و صلحاء - برخی از کلمات ملا قطب را نقل نموده است. ایشان همواره به شاگردان خویش مطالعه مکاتیب قطب را توصیه می‌کرده است. عالم بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی در موارد متعددی از کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه درباره قطب و مکاتیب او و دیگر آثار وی - شامل دیوان،^{۱۵} ابواب الخیر،^{۱۶} تخمین الأعمار،^{۱۷} مفاتیح الغیب^{۱۸} و ... - اطلاعات مفیدی داده است، ذیل عنوان «مکاتیب قطب محیی» نوشته است:

در مکاتیب قطب محیی، قریب پانصد نامه به فارسی آمده است که برخی را برای عموم و بعضی را برای خواص از مریدان خود در حدود سنه نهصد نوشته است. از محتوای برخی نامه‌ها برمی‌آید که او در شهر شیراز سکونت داشته است. قطب به لزوم شناخت امام و این که امامت، سومین اصل در پی دو اصل توحید و نبوت است تصریح نموده است و در یکی از

۱۰. احسن الترتیب فی نظم دررالمکاتیب، ص ۲-۶.
۱۱. ر. ک: مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۷.
۱۲. ر. ک: خزائن، ص ۵۵۱-۵۵۳ (انتشارات قیام، ۱۳۷۸).
۱۳. ر. ک: بحرالمعارف، ج ۱، ص ۲۶۱ (انتشارات حکمت، ۱۳۷۰).
۱۴. محمدباقر مجلسی، حق الیقین، ص ۲۲۵.
۱۵. ر. ک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۸۸۴.
۱۶. همان، ج ۱، ص ۷۸.
۱۷. همان، ج ۴، ص ۱۴.
۱۸. همان، ج ۲۱، ص ۳۰۴.
۱۹. همان، ج ۲۲، ص ۱۳۶ و ۱۳۷ (باتلخیص).
۲۰. همان، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.
۲۱. تعداد این نامه‌ها را تا رقم ۷۸۳ گفته‌اند. ر. ک: دکتر احمد تمیم داری، عرفان و ادب در عصر صفوی، ص ۱۴۵-۱۴۹ (انتشارات حکمت، ۱۳۷۳)؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر فارسی، ج ۱، ص ۶۲۱؛ محمدکریم اشراق، بزرگان چهارم، ص ۱۷۴.

گویی قطب از مکتب امام علی بن ابی طالب (ع) درس زهد و عرفان آموخته، همو که در نهج البلاغه فریادش بلند است: «أَلَا حُرِّيدُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنُ الْأَلْحَنَةِ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»^{۲۲} آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده شده [دنیا] را به اهلش واگذارد؟ به درستی که برای جان شما قیمتی جز بهشت نیست، خود را به غیر آن مفروشید».

البته امام المتقین دنیای منهای آخرت را به شیعیان و دوستان خود این گونه معرفی فرموده است و این غیر از دنیایی است که مزرعه آخرت و بازار عقبی است، دنیایی که امام علی (ع) آن را جایگاه تجارت دوستان خدا و محل نیایش و سجده گاه ایشان و سرای راستی و صفا معرفی نموده است.^{۲۳}

در این جا می توان گفت نامه های ملا عبدالله قطب می تواند شرح خوبی بر کلمات نورانی امیر المؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه در باب دنیا و آخرت و ضرورت احتراز و اجتناب از دنیا باشد.

قطب بن محیی در نگاهی کوتاه^{۲۴}

شخصیت، آثار و اقدامات قطب با همه اهمیت که در تحولات فکری ایالت فارس دارد تاکنون ناشناخته مانده است. او از معدود نویسندگان عارف قرن نهم می باشد که نامش در تذکره ها نیامده است، هر چند مورخان هم عصر او و از آن جمله روزبهان خنجی در عالم آرای امینی^{۲۵} و مصلح الدین لاری در مرآة الادوار و مرآة الاخبار^{۲۶} او را از بزرگان و مشاهیر فارس دانسته اند.

تاریخ تولد و وفات او بر ما معلوم نیست، اما با توجه به شواهد موجود می توان گفت که قطب بن محیی بین سال های ۸۳۸ تا ۹۰۹ ق می زیسته است و فرزند محیی الدین کوشکناری لاری و استاد حکیم معروف ملا جلال الدین دوانی (۸۳۰-۹۱۸ ق) بوده است. قطب شاگرد شیخ زیدالدین جعفر خوافی خراسانی بوده و نسب او با چندین واسطه به عارف بزرگ ابی النجیب سهروردی می رسد و از نواده های سعد بن عباد خزر جی انصاری می باشد.

از ابتدای زندگی قطب اطلاع اندکی در دست است. او در یکی از نامه های خود اشاره ای کوتاه به مهاجرت خود از خنج نموده است. خنج در قرن هشتم و نهم قمری یکی از پایگاه های مهم فکری و تربیت علما و اندیشمندان بوده است. در نیمه دوم قرن نهم قمری ظهور طبقه ای از علما از مهاجرین نواحی ساحل خلیج فارس و از منطقه ای به نام کوشکنار به رهبری عبدالله قطب بن محیی در خنج شرایط ویژه ای را به وجود آورد.

پس از مدتی و بنا به دلایلی، ادامه زندگی برای او در آن جا میسر

نبود و ناگزیر به جهرم، سپس شیراز و اخوان آباد هجرت نمود.^{۲۸} ملا عبدالله قطب بن محیی یکی از معدود رهبران فکری و دینی است که با روش مخصوص به خود و از طریق نگارش انبوه مکاتبات اخلاقی-علمی به رهبری و اداره اجتماع اقدام نموده است. از سوی دیگر مبلغین او در نواحی مختلف فارس و ساحل خلیج فارس پراکنده می شدند و به تبلیغ ایده های رهبر خود می پرداختند.

محتوای برخی از مکاتبات او نشان از چرخش وی در تمایلات مذهبی دارد و نیز بیانگر نزدیکی اندیشه او به تفکرات شیعی است. آیا او نیز همچون اندیشمند بزرگ معاصرش، ملا جلال الدین دوانی در پایان عمر خود، گرایش های شیعی پیدا نموده است. در تفکر مذهبی قطب و پیروانش، احترام و ارادت بسیار به ائمه اطهار و چهارده معصوم دیده می شود و محتوای مکتوبات او نیز که مستفاد از روایات اهل بیت است، نشان از نزدیکی تفکرات مذهبی و سیاسی او به اندیشه های شیعی دارد. شاید او نیز مانند دوانی در اوایل عمر، سنی مذهب بوده، ولی بعدها به مذهب شیعه امامیه پیوسته است.^{۲۹} برآورد دقیق و منطقی این برداشت به مطالعه و تحقیق بیشتر و عمیق تری نیازمند است، با توجه به این که امکان دارد او در موضع تقیه بوده است. به هر حال قطب سال های پایانی عمر خود را در شهری که با

۲۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۲۳. همان، حکمت ۱۳۱.

۲۴. این قسمت برگرفته از مقاله «بررسی آثار و احوال قطب بن محیی کوشکناری لاری، بنیانگذار قطب آباد» اثر آقای محمدباقر وثوقی است، مندرج در مجله فارس شناخت، سال چهارم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۴-۷۰ (با کمی تغییر).

۲۵. ر. ک: عالم آرای امینی، تصحیح جان وود، ص ۳۶۸ (۱۹۹۲ م).

۲۶. ر. ک: مرآة الادوار و مرآة الاخبار، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲۷. درباره این که جلال الدین دوانی، شاگرد قطب بوده یا شاگرد پدر او اختلاف نظر وجود دارد (ر. ک: محمدکریم اشراق، بزرگان جهرم، ص ۱۷۹ و ۱۸۳).

۲۸. مکاتیب قطب، نامه شماره ۳۴۹، ص ۷۳۹ (انتشارات قائم آل محمد (ص)، ۱۳۸۴، قم).

۲۹. شیخ عبدالله نعمه، فلاسفة شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، ص ۲۴۶ (انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷).

فرهنگی در جامعه پدید می‌آید به مقابله با حکومت‌های جور و باطل می‌پرداختند.

اساساً هدف و فلسفه حکومت در نگاه قطب و هر عالم خبیر و عارف حکیم، ایجاد مدینه فاضله‌ای است که بستر تحقق توحید در فرد و اجتماع باشد، زیرا اصول و مبانی عرفانی توحیدی به ما می‌آموزد همچنان که خداوند قوانین هستی و خلقت را در بعد تکوینی مقرر فرموده، وضع قوانین تشریحی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی و در نهایت سیر دادن انسان به فلاح و رستگاری ابدی نیز به دست اوست. توحید که اصل و ریشه بینش عرفان اسلامی است منشأ همه تحولات فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. این آموزه‌های عرفان دینی و توحیدی است که حریت و آزادی واقعی را برای بشر به ارمغان می‌آورد و طبق همین اصول مترقی عرفانی است که همه انسان‌ها فقط در برابر اوامر الهی سر تسلیم فرو می‌آورند و هیچ انسانی حق حاکمیت و وضع قوانین و تحمیل آنها را بر انسان‌های دیگر ندارد، مگر این که اطاعت او اطاعت از خداوند باشد.

هدف انبیا از تشکیل حکومت، بسط و گسترش توحید و ارزش‌های والای آن بوده که با ظهور آخرین وصی (ص) او، امام عصر (عج) به شکل تمام و کمال تحقق می‌پذیرد و طبق آموزه‌های قرآن و عرفان، حرکت تاریخ و جامعه بشری به همین سمت است. بگذاریم و بگذریم، چرا که در این جا جای بررسی و بحث درباره این مطلب گسترده نیست.

به هر حال عبدالله قطب، عارفی راستین بود که اصلاح و تهذیب و رشد عقلانی جامعه مسلمین و تشکیل مدینه فاضله نبوی (ص) را وجهه همت خود قرار داده بود.^{۳۲}

یکی از محققان می‌نویسد: «این نهضت در واقع بیشتر طرح یک نوع مدینه فاضله را در بر دارد و وجود آن از رسائل قطب بن محیی مستفاد می‌شود».^{۳۳}

چاپ‌های مکاتیب و نسخ خطی آن

برخی از مکاتیب قطب تاکنون سه بار به چاپ رسیده است. تعداد کمی از آنها برای اولین بار به سال ۱۳۳۷ ق و در مطبعه ۳۰. برای آگاهی بیشتر از شرح حال او رجوع شود به: مجله فارس شناخت، سال چهارم، شماره ۶؛ نیز محمدکریم اشراق، بزرگان چهارم.

۳۱. ر. ک: مولوی محمد مظفر حسین صبا، تذکره روز روشن، ص ۶۶۳ (تهران، ۱۳۴۳)؛ نیز الذریعه، ج ۹، ص ۸۸۴؛ امین احمد رازی، هفت اقلیم، طبع علمی، تهران.

۳۲. ر. ک: عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۷۷ (امیرکبیر، ۱۳۶۲).

۳۳. همان، ص ۷۶.

درایت و مدیریت خود ساخته شده بود به سر برد و به تربیت شاگردان بسیاری پرداخت که به او اعتقاد و ایمان کامل داشتند و با حمایت جدی و پیگیرانه او، این شهر از رونق و اعتبار خاصی در فارس برخوردار شد و در حیات بینانگذازش به «قطب‌آباد» شهرت یافت. هدف اصلی او به وجود آوردن مدینه فاضله‌ای بود که در آن، شهروندان شرایط لازم برای رسیدن به کمال را تجربه کنند. او با همکاری و همدلی یارانش موفق به اجرای اهداف خود شد و حداقل در حیاتش شاهد به ثمر نشستن آرزوهایش بود، هر چند به گونه محدود.^{۳۰}

تذکر این نکته مناسب است که صاحب مکاتیب، گذشته از مقام حکمت و عرفان در شعر و ادب نیز جایگاه عالی داشته و یکی از ادبای کم نظیر در خطه فارس بوده است، همچنین وی اشعار بسیاری را سروده و یکی از شعرای بزرگ شیراز به شمار می‌رفته و دیوان اشعاری از او به جا مانده است،^{۳۱} بسیاری از اشعاری که در مکاتیب وی آمده از خود او می‌باشد.

اندیشه سیاسی و اجتماعی قطب در بینش عرفانی

قطب اساس سلوک و سیر عملی را خردورزی و دانش منور به نور وحی می‌داند. عبدالله قطب شاگردان و مریدان خود را به کسب و کار و تلاش، تحصیل علم، سیر و سلوک و ریاضیات شرعی، سعی در اصلاح امور اجتماع مسلمین، حضور مثبت و پویا در جامعه و احیای سنت نبوی (ص) دعوت کرده و در این رابطه راهکارهای عملی ارائه داده است.

او عارفی بوده که مشکلات جامعه را بر نمی‌تافت و به شدت حساس، متعهد و فعال بوده است. این حساسیت و اهتمام از مجموعه نامه‌هایش پیداست. وی در برابر طهارت و سلامت اجتماع مسلمین، بسیار احساس وظیفه می‌نموده، لذا شخصاً به اقامه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی و تعزیرات می‌پرداخته و تسامح و تساهل تحمیلی بر دین و دینداری را روانی دانسته.

قطب عمرش را صرف تهذیب و تصفیه اخلاقی و رشد علمی و عقلانی افراد جامعه خویش نموده و با بدعت‌های صوفی نمایان کج فهم که احیاناً اتز و اطلبی منفی، بی تفاوتی نسبت به امور سیاسی مسلمین را رویه خود کرده بودند به شدت مخالف بوده و با آنها برخورد می‌کرده است.

آری، عارف عبور موحد در سبیل محبت بر نمی‌تابد که در مملکت محبوب، کسی غیر از محبوب تصرفی نماید، هرگونه حکومت و تصرف غیر در مملکت محبوب از نظر عارف موحد، غیر مشروع و باطل است و لاجرم از میان برداشتنی، لذا بسیاری از عارفان کامل، هرگاه زمینه و آمادگی اجتماعی، سیاسی و

احمدی در شیراز ضمیمه کتاب اوصاف المقربین گردیده و چاپ شده اند. سپس در فروردین سال ۱۳۳۹ ش با عنوان مکاتیب فارسی عبدالله قطب شیرازی از سوی کتابخانه احمدی در شیراز و با همکاری کتابخانه ابن سینا در تهران به طبع رسیده است که حاوی ۱۱۲ نامه می باشد و آخرین چاپ آن به سال ۱۳۵۶ خورشیدی برمی گردد که با عنوان مکاتیب عبدالله قطب بن محیی و به قطع رحلی از سوی مؤسسه انتشارات و چاپخانه دانشگاه تهران انجام پذیرفت و بسیار کمیاب و دور از دسترس علاقه مندان آن بود و عده بسیاری از مطالعه آن محروم بودند و اکنون چاپ جدید آن تقدیم علاقه مندان می گردد.

در این جا لازم است از اهتمام مراکز علمی و فرهنگی مذکور و نیز از مساعی عزیزان و بزرگانی که بذل همت نموده و رنج تحقیق را متحمل شده اند، به ویژه از محقق ارجمند جناب آقای سید محمدجعفر باقری که خالصانه اقدام به چاپ و نشر این نامه ها نموده اند قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید. سعیشان مشكور باد. متأسفانه چاپ های پیشین، فاقد شرح حال نویسنده مکاتیب بوده و اطلاعاتی از چگونگی زندگی، آثار و اقدامات وی ارائه نگردیده است، چون شرح حال قطب از جانب تذکره نویسان و مورخان، ثبت و ضبط نشده و گویی مغفول واقع شده است. از مکاتیب قطب، نسخ خطی بسیاری موجود است که در کتابخانه های معتبر ایران و خارج از آن نگهداری می شود. در ایران از جمله در کتابخانه های شهرهای تهران، قم، مشهد، شیراز، یزد، همدان و ... و در کشورهای دیگر از جمله در کتابخانه های شهرهای نجف، لندن، کمبریج، بنگال و موزه بریتانیا نسخ فراوانی وجود دارد. نسخه هایی که تاکنون شناخته شده قطعاً بیش از یکصد نسخه می باشد، اعم از نسخی که شامل چند نامه محدود و یا حتی حاوی یک نامه می باشد تا این که ۵۰۰ یا به قولی تعداد ۷۸۳ نامه را شامل می شود. از آن جا که ذکر مشخصات این نسخه ها از حوصله این مقال خارج است، فقط به ذکر مشخصات و محل نگهداری نسخه های خطی مکاتیب اکتفا می گردد:

- فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۲، ۱۴۴۵-۱۴۴۷.
- فهرستواره کتاب های فارسی، احمد منزوی، ج ۸، ص ۹۵۴ و ۹۵۵.
- بزرگان جهرم، محمدکریم اشراق، ص ۱۶۵-۱۷۲.
- راهنمای فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱، ص ۲۹۲.
- الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۲، ص ۱۳۸.

- مکاتیب عبدالله قطب بن محیی، چاپ دوم، با تصحیح و تعلیقات سید محمدجعفر باقری، ص ۷۲-۱۱۶۰/۷۳-۱۱۶۰. البته نسخه هایی که در منابع مذکور معرفی شده غیر از آنهاست که در مجموعه ها و جنگ ها موجود می باشد.

درباره چاپ جدید

در مقدمه کتاب ذیل تذکر چند نکته این چنین آمده است:

۱. هدف اصلی از طبع و نشر این نامه ها بیش از هر چیز، جنبه های اخلاقی و مواظبت آنها می باشد که با تازمانه سلوک به تربیت نفوس مستعد می پردازد. در میان برخی از نامه ها گاهی به مسائل کلامی و غیره اشاره شده است، اما چون نویسنده محترم قصد پرداختن مبسوط به آن مسائل را نداشته، با حذف مقدمات علمی، فقط به رئوس مطالبی اشاره نموده که ممکن است برای مبتدیان نارسا باشد. لذا خوانندگان گرامی برای پیگیری مبسوط آن مسائل باید به کتب فنی و تخصصی مراجعه نمایند.

۲. نویسنده مکاتیب از علمای بزرگ و منصف و با ادب عامه بوده و گرایش های شیعی وی در لابه لای مطالب و فرازهای بسیاری از این نامه ها به خوبی مشهود است. ۳۴ او در نگارش نامه ها از فرمایشات ائمه هدی (ع) به ویژه کلمات دربار حضرت امیرالمؤمنین (ع) در موارد بسیاری استفاده کرده و از آن بزرگواران به ائمه طاهرین یاد نموده است.

۳. مجموعه مکاتوبات حاضر با چند نسخه خطی مقابله شده و اضافات دیگر نسخ، داخل پرانتز قرار گرفته است و نیز در مواردی که کلمه ای داخل کروشه [] آمده، جهت سهولت فهم خوانندگان می باشد و از ویراستار است، همچنین توضیحات کوتاهی که در پاورقی برخی صفحات آمده است.

۴. چون ترجمه آیات قرآن در متن نامه ها نیامده بود، ترجمه آنها را با ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند اقتباس کردیم و در پاورقی آوردیم.

۵. در پایان کتاب برای تسهیل فهم برخی مطالب نامه ها، معنای واژه های نامأنوس به ترتیب حروف الفبا آورده شده است که بیشتر معنای اصطلاحی مدنظر بوده است، نه صرف معنای لغوی و ادبی آنها.

۳۴. در کتاب بزرگان جهرم آمده است: برخی از علمای رجال در جهت شیعی بودن او کوشش کرده اند (ص ۱۶۵ با تلخیص). به گفته آیت الله جوادی آملی در تولی و تبری مهمترین معیار کیفیت طرح مسائل اصلی و اعتقادی است، نه طرح فروع فقهی (آوای توحید، ص ۸۳). با توجه به این معیار عمیق، بررسی اساسی ترین مسائل اسلامی در مکتب قطب - مانند اثبات امامت و سایر معارف دقیق - نشان می دهد که آنها بر مبانی شیعه پایه گذاری شده است.